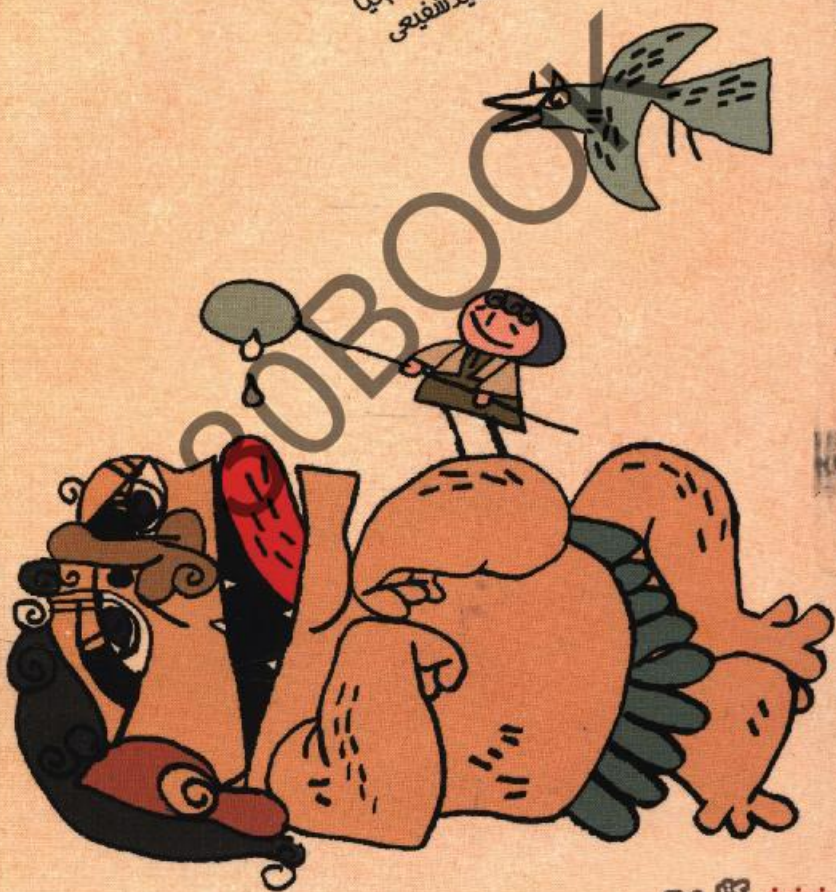


های فلسفی در سرزمین غولها

رمان کوتاه

نویسنده: شکوه قاسم‌نیا
تصویرگر: فرشید شفیعی



سرشناسه: قاسم‌نیا، شکوه، ۱۳۳۴ -
عنوان و نام پدیدآور: هلی فسقلی در سرزمین غول‌ها / نویسنده
شکوه قاسم‌نیا؛ تصویرگر فرسید شفيعی.
مشخصات نشر: تهران: پیدایش ۱۳۹۲
مشخصات ظاهری: ۳۹۶ ص.: مصور.
فروست: رمان کودک
شابک: ۰-۱۲۸-۲۹۶-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: گروه سنی: ب.
موضوع: داستان‌های تخیلی
شناسه افزوده: شفيعی، فرسید، ۱۳۴۷ -؛ تصویرگر
رده بندی دیویی: ۱۲۹۲ ۱۹۸۵ ق ۱۳۰ د ۱
شماره کتابخانه ملی: ۳۳۲۶۲۷۱



خ. انقلاب، خ. فخررازی، خ. شهید زاهدی، درمتری غربی، پلاک ۸۶ - تلفن: ۰۲۷۰۰۶۶۹۷
نشر پیدایش

□ هلی فسقلی در سرزمین غول‌ها □ زیر نظر شورای فرهنگی

- ناشر: پیدایش
- نویسنده: شکوه قاسم‌نیا
- ویرایش: گروه فرهنگی
- تصویرگر: فرسید شفيعی
- طرح جلد: مهوان زمانی
- امور فنی کتاب: انتشارات پیدایش
- چاپ اول: ۱۳۹۲
- تعداد: ۱۰۰۰ نسخه
- لیتوگرافی: سیب
- چاپ: کاج
- شابک: ۰-۱۲۸-۲۹۶-۶۰۰-۹۷۸
- سایت ناشر: www.peydayesh.com
- پیام‌نگار: info@peydayesh.com
- کلیه‌ی حقوق برای ناشر محفوظ است.
- قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

به:

کودکیِ خودم

ارغوان و غزل غلامی،

و تمام بچه‌هایی که خیال و خنده را دوست دارند.

30BOOK



فهرست

مقدمه‌ی نویسنده / ۷

خاله‌ی خال خالی من / ۹

چطور با شابی بی غوله دوست شدم / ۱۳

چه قسم‌هایی می خورند این بچه‌گول‌ها! / ۱۸

خاله خال خالی بر سر دوراهی / ۲۸

این هم پسرت، ماما چهارچشمی! / ۳۳

هر تار مو = یک شاخه درخت / ۳۷

قانون زمان در سرزمین گول‌ها / ۴۴

رشد گول‌ها بر دو نوع است / ۵۶

هیچ وقت به شانه‌ی راست یک گول زن! / ۶۸

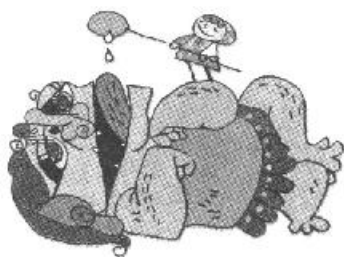
پیشنهاد عجیب ماما چهارچشمی / ۷۴

- دشمن هفت سر داشت و من فقط یک سر / ۸۳
- شیرها قلقلکی اند! / ۹۶
- پیرمردی در سبد / ۱۰۵
- هدیه‌ی بابا ریش سفید / ۱۱۲
- قد آستین: ۴ بال مگس / ۱۲۵
- نقطه ضعف غول مگسی / ۱۳۴
- دوست من، مارغولک / ۱۳۹
- دایی رستم در زندان قلّه‌ی قاف / ۱۴۸
- بچه غول‌ها هم از پلیس بازی خوش‌شان می‌آید / ۱۶۲
- مشکل به دست خاله‌خال خالی باز می‌شود / ۱۶۹
- پیش به سوی قلّه‌ی قاف / ۱۸۵
- در پناه کلاغ‌ها / ۱۹۲
- کاش بابا ریش سفید جوان تر بود! / ۲۰۳
- بوی آدمیزاد می‌آید / ۲۰۹
- غول‌ها برای انتقام می‌آیند / ۲۱۵
- یک اتفاق بد برای شابی بی‌غوله / ۲۲۰
- بر دوش غول‌های آدمخوار / ۲۲۷
- چه عملیات هیجان‌انگیزی! / ۲۳۵
- چاله‌های هوایی / ۲۴۱





- در میان تار عنکبوت‌های غولی / ۲۴۹
آشی که خاله‌خال خالی برای من پخت / ۲۵۳
از چاله به چاه / ۲۵۸
زنبورهای خون‌آشام / ۲۷۰
عطسه‌ی بی‌موقع / ۲۷۹
باز جوی غول سه‌کله / ۲۸۷
تالاری با چهل در / ۲۹۶
برنده‌ی مسابقه‌ی هواخوری / ۳۰۴
شابی‌بی‌غوله در انتظار مرگ / ۳۱۳
من در نقش ملکه‌ی غول‌ها / ۳۱۸
شیشه‌ی عمرت کجا بود، دایی‌رستم؟ / ۳۲۲
خوابی یا بیدار، هلی فسقلی؟ / ۳۳۲
گرفتار در تور غول‌گیری / ۳۴۰
آدمیزاده‌های شجاع، خوشمزه‌ترند / ۳۴۴
جوجه‌کیاب شدن چه سخت است! / ۳۵۴
نمک و فلفلش کم است / ۳۶۰
وقتی که یک غول، پیر می‌شود / ۳۶۷
غول‌ها هم آبرو دارند / ۳۷۸
و یک خال دیگر / ۳۹۱



مقدمه‌ی نویسنده

بچه‌ها:

من این داستان را برای شما نوشته‌ام؛ اما می‌دانم که خواندن آن، ممکن است برایتان کمی سخت باشد. بنابراین از شما می‌خواهم که با من همکاری کنید و مرا تا آخر داستان همراهی کنید. زیر کلمات و جملات سخت را خط بکشید و معنی آنها را از دیگران بپرسید. این کار را ما بزرگ‌ترها هم در موقع خواندن بعضی کتاب‌ها می‌کنیم.

امیدوارم که هلی فسقلی داستان مرا دوست داشته باشید.

شکوه قاسم‌نیا



خاله‌ی خالِ خالیِ من

یک خاله‌جان دارم که صورتش پر از خال است. صدایش می‌کنم خاله خال خالی.

خاله‌خال خالی من پیر است؛ از آن پیرزن‌های ریزه‌میزه‌ی زبر و زرنگ. البته او خاله‌ی راستکی‌ام نیست؛ اما من از صدتا خاله‌ی واقعی هم بیشتر دوستش دارم؛ برای همین است که قصه‌ام را با او شروع کرده‌ام.

خاله‌خال خالی با من زندگی می‌کند. یعنی راستش من با او زندگی می‌کنم. او به اندازه‌ی موهای سرش



دوست و آشنا دارد. و شما باید بدانید که خاله خال خالی
من موهای کپریشتی دارد. همیشه موهایش را یک گیس
کلفت می بافد و پشت سرش گوجه فرنگی می کند.
حالا دیگر خودتان می توانید حدس بزنید که تعداد
دوست های خاله خال خالی چقدر زیاد است!

یک چیز را باید بگویم! دوست های خاله جانم کمی
عجیب و غریبند؛ یعنی مثل دوستان من و شما نیستند؛
کمی فرق دارند. من بعضی هایشان را دیده ام. راستی که
تماشایی اند!

به نظر شما دیدن غول و جن و پری و دیو شاخ دار
و دیو بی شاخ و ... تماشایی نیست؟

بزرگ ترها می گویند خاله خال خالی خیالاتی است؛
اما من این حرف را قبول ندارم. راستش گاهی وقتها

هلی فسقلی با بچه غولی به نام شابی بی دوست می شود
و با او به سرزمین غول ها می رود. مادر شابی بی، هلی فسقلی را
می بیند و می پسندد و او را برای پسرش خواستگاری می کند. اما
پسر او کسی نیست جز دایی رستم هلی فسقلی. دایی رستم به
جنگ غول "بل بله گوش" می رود و اسیر می شود. هلی فسقلی
و شابی بی غوله تصمیم به نجات او می گیرند و سفر پر ماجرا
و خطرناک خود را به سرزمین بل بله گوش ها آغاز می کنند.

ناشر برگزیده‌ی سال‌های ۷۶، ۸۳، ۸۷ کشور
ناشر نخست چهارمین بین‌المللی تصویرگران ایران
ناشر برگزیده‌ی سال‌های ۸۱، ۸۲، ۸۶ کتابخانه بین‌المللی کتاب
ناشر برگزیده‌ی سال‌های ۸۰، ۸۹ - جشنواره‌ی رشد
دفتر و فروشگاه مرکزی: خ. انقلاب ۵، خ. فخر رازی
خ. شهدای ژاندارمری غربی ۵ پلاک ۸۶
تلفکس: ۶۶۴۰۱۵۱۴ ۵ تلفن: ۶۶۹۷۰۲۷۰

www.peydayesh.com
info@peydayesh.com

